

بنياد فرهنگي كهزاد

قيافه و صورت  
امير تيمور كورگاني

احمد علي كهزاد

# قیافه و صورت امیر تیمور کورگانی

احمد علی کهزاد

بنیاد فرهنگی کهزاد

چند سال قبل که در اثر دعوت جمهوری ازبکستان شوروی برای سهم در سالگره پنجمین سال تولدی امیر علی شیر نوائی وزیر و شاعر معروف دربار تیموریان هرات که ازبک های جمهوری ازبکستان بواسطه بستگی نژاد و اشعار ترکی شاعر او را از آن خود می‌شمارند، به تاشکند و سمرقند مسافرت کردم. در شهر اخیرالذکر «گور میر»، مرقد امیر تیمور کورگانی و در پایتخت ازبکستان در عمارت مجلل «تیاتر نوائی» ضمن نمایشی که مربوط به شخص و عصر و زمان شاعر تشکیل شده بود، بعضی چیزهای دیگر مربوط به مدفن تیمور را دیدم.

شاید خوانندگان گرامی مسبوق باشند که باستان شناسان شوروی در بین سالهای اخیر در صدد برآمده اند تا قبر امیر تیمور را نبش کرده و مطالعاتی راجع به مدفن و استخوان بندی بدن و جمجمه او بعمل آورند. بعض پارچه های کفن و بعضی حصص پوش پارچه ئی صندوق چوبی مدفن امیر در میان اشیائی بود که در نمایشگاه امیر علی شیر نوائی در تاشکند دیدم.

مقصود از این تذکر مختصر این است که یک نفر از باستان شناسان شوروی که بیشتر از ناحیه انتروپولوژی، یعنی مطالعات عضوی بشر شناسی از 25 سال باین طرف راه و رسم جدیدی کشف و وضع کرده است، موفق گردیده است که از روی معاینه جمجمه و استخوان های روی و قالب گیری آن و پیمایش های علمی، دیگر صورت مردگان را بسازد.

اخیراً در شماره 63 مجله وکس، چاپ مسکو، مربوط به سال 1950 مقاله ئی تحت عنوان "صورت تیمور لنگ و تجربه شکل صورت او از روی جمجمه" با چند قطعه تصاویر نشر شده است که از لحاظ موضوع فن و اهمیت تاریخی شخصی مانند امیر تیمور که در تاریخ عمومی آسیا و ضمناً در تاریخ افغانستان دخالت دارد، به اقتباس و ترجمه و خلاصه آن می پردازیم.

متخصص باستان شناس و انتروپولوجست قراریکه تذکر یافت، «میخائیل جراسیموف M. M. Gerasimov» است که در اثر پیمایش های مختلف سر و جمجمه و صورت زندگان و مردگان و ارتباطی که میان استخوان های روی و گوشت

صورت انسان یافته است، اساس های جدید علمی وضع کرده است که بقرار آن موفق به تجسم صورت مردگان میشود.



عکس امیر تیمور 1336 - 1405 میلادی توسط گراسیموف - منبع عکس: انترنت

«جراسیموف» برای اثبات اساس های علمی فن خود از 1941 به بعد از روی جمجمه بعضی از مقتولین جنگ به چنان مهارت صورت های ایشان را ساخت که بستگان ایشان در شگفت شدند و خویشاوندان مقتول خود را شناختند. بعد از احراز موفقیت های امتحانی راه جدیدی برای معرفی چهره و صورت اشخاص متوفای تاریخی پیدا شد و ایقان حاصل گردید که منبهد به اساس این تجارب امکان دارد که قیافه های اشخاص تاریخی را بسازند چنانکه تا حال صورت های اشخاصی از قبیل: یارسولاف، اندره بوگولیوبکی، فرمان روایان گذشته روسیه و قیافه امیر البحر یوشاکف که در قرن 18 میزیست و نظیر آن صورت جمعی از مردان دیگر تاریخی را ساخته اند.

«جراسیموف» متخصص صورت ساز روسی تا حال در حدود صد نمونه از صورت های بشری ساخته که در میان آن نمونه ئی از بشر «نه اندرتال» ، انسان قبل التاریخ،

و صورت هائی از انسان های عصر «نیولی تیک» مربوط به دوره جدید حجر هم موجود است که در خاک های اروپائی اتحادیه سوویت زندگانی داشتند.

تجسم صورت تیمور لنگ را متخصص شوروی در 1941 وقتی شروع کرد که در اثر نبش قبر او در سمرقند مجسمه او از «گور میر» کشف گردید.

تیمور لنگ جهان گشای بزرگ که روزی آسیای مرکزی و چین از شنیدن نام او بخود میلرزید، قرار تذکر مؤرخین در 1334 م. تولد یافته و در سال 1362 م. در جریان جنگی در سیستان در اثر اصابت تیری به پای راستش لنگ گردید و مشهور به تیمور لنگ شد. این زخم طوری کاری بود که تا اخیر عمر، تیمور پای راستش را قات نمیتوانست و دو انگشت دست راستش هم در اثر حوادث همین جنگ قطع گردید.

تیمور لنگ به تاریخ 18 فبروری 1405 به عمر 71 سالگی رخت از جهان بست. در اثر تحقیقاتی که 10 سال قبل در زیر زمینی «گور میر»، مرقد باشکوه او بعمل آمد، پنج قبر دیده شد. قبر خود او و قبر دو نفر از پسران و دو نفر از نواسه هایش. اخیراً این نظریه پیدا شده است که مرقد ناپولئون در پاریس از روی آرامگاه تیمور تقلید شده است.

در «گور میر» در وسط قبور پنجگانه، قبر خود تیمور دیده میشود و روی آن سنگ و زمین خاکی رنگ با کتیبه ئی هنوز موجود است. بعد از نبش قبر در میان صندوق چوبی پارچه ئی که آیات قرانی با سیم نقره دوخته شده بود، کشف گردید. وقتیکه صندوق چوبی را باز کردند هنوز بوی کافور از آن می برآمد. استخوان بندی بدن امیر به پشت گذاشته شده و سر او به آداب اسلامی بطرف مکه معظمه گردانیده شده بود. هنوز هم بقایای موی و ماهیچه ها و پوست خشک شده دیده میشود.

در اثر مطالعات دقیق استخوان بندی لنگ بودن پای راست او به ثبوت رسید و این امر واضح میسازد چرا این مرد جهان گیر خانه زین را بر خانه زمین ترجیح میداد زیرا بر اسب راحت تر بود و چندان محتاج به قات کردن زانو نمیشد. به همین قسم در علالت بازوی راست او تردیدی نماند زیرا استخوان آرنج راستش از حد معمول بیشتر کلان شده و انگشت میانه دست راست او وجود نداشت. هکذا آثار زخم تیری در دیگک شانه او دیده میشود. این شواهد از روی قرائین تاریخی هم ثابت ساخت که استخوان بندی جسد تیمور لنگ همین است.

شبه ئی نیست که تصاویر صحیح و قابل اعتمادی از تیمور لنگ باقی نمانده. در میناتورهای مکاتب افغانستان و هند و ایران که عموماً در اوقات تازه تر ساخته شده او را بیشتر قواره یک مرد هندو-اروپائی داده اند و این امر با شواهد نوشته های مؤرخین سر نمیخورد زیرا او از عرق «ترک و مغل» بود و به قبیله «برلاس» تعلق داشت. همانطور که شجره نسب و علایق نژادی او حکم میکرد، صورت تیمور طوریکه متخصص صورت ساز شوروی ساخته است، قیافه مغلی دارد: کله او مدور و قیافه وجهی او هموار بود.

از روی ممیزات شکل جمجمه، محفوظ ماندن اکثر دندان ها، تیزی خطوط استخوان و بعضی علائم دیگر چنین معلوم میشود که تیمور نیروی بدنی زیادی داشته یعنی باوجودیکه عمر او بحساب سال در حدود بیش از 70 رسیده بود، از روی مطالعات فوق حین مرگ 50 ساله مینمود. فراموش نباید کرد که میزان عمر دو نوع است. عمر کرونولوژی به حساب سال و ماه و عمر بیولوژی به حساب قوه زیست و تناسب فرسودگی اعضای بدن.

«جراسیموف» بعد از مطالعات دقیق، تجسم صورت تیمور را شروع کرد. اول استخوان های روی او را با موم قالب گرفت و بدین اساس مطابقت و تناسب استخوان روی و جمجمه را با گردن و استخوان های مهره گردن دریافت. بعد کم کم و پارچه، پارچه ماهیچه های گردن را ساخت و سپس با اندازه ها و پیمایش های عملی کلفتی و رقه گوشت روی را معین نمود. در اثر تجزیه و مطالعه دقیق نقطه ئی در نزدیکی از الاشه بالا که محل بروز موهای بروت مایل به رنگ سرخ نسواری نما بود، متخصص مذکور دریافت که تیمور طبق عادت مسلمانان بروت داشت. بقایای ریش سرخ رنگی نشان داد که فاتح مغلی ریش نسبتاً کوتاه و نوک تیزی داشت. لباس و کلاه او را سپس در اثر مطالعات تصاویر قلمی و اشیائی که به دودمان او نسبت شده است، تهیه نمود. بدین ترتیب در اثر موازین جدید علمی دانشمند شوروی موفق شد که صورت تیمور لنگ، جهان گشای قرن 14 را بسازد.

«جراسیموف» در 1950 به احراز جایزه استالین موفق گردید و گفته میتوانیم که منبع با اصول علمی او میشود و امکان دارد که تصاویر و قیافه های مردمان قبل التاریخ و اشخاص معروف تاریخی را بسازند.

/مجله آریانا، شماره 99، اول حمل 1330، کابل//نشر مجدد دسامبر 2011، بنیاد فرهنگی کهزاد/